عکس: رحیم بنی‌اسدآزاد

گفت و گوی اختصاصی استقامت با کمال تبریزی؛ کارگردان سینما

دردسرهای شیرین کرمانی

رحیم بنی‌اسدآزاد

کمال تبریزی از کارگردانان مطرح سینمای ایران است. «لیلی با من است» و «مارمولک» از ساخته های مشهور او هستند که با استقبال زیاد همراه بوده اند. او در چهار سال اخیر فیلمی نساخت اما اکنون "طبقه هشت" را بر پرده دارد و مشغول فیلمبرداری فیلم تازه اش "دردسرهای شیرین" در کرمان است . با او در آخرین روزهای تصویربرداری گفت و گو کردم گفت و گویی که با پیگیری نادر فلاح بازیگر کرمانی این فیلم میسر شد که از او سپاسگذارم.

■ اگر اشتباه نکنم فیلم «دردسر شیرین» که در حال فیلمبرداری آن هستید دومین فیلم بعد از دوران سکوت‌تان است چه شد که برای این فیلم لوکیشن کرمان را انتخاب کردید؟

در چهار سال گذشته که مانع کار کردن من می‌شدند، من بیکار نماندم و بیشتر روی نوشتن یک سری فیلم نامه تمرکز کردم. هنوز هم علاوه بر دو فیلمی که کار کردم ۴ یا ۵ فیلم نامه‌ی آماده‌ی ساخت دارم. روی یکی از آنها که با طرح آقای حسین نژاد نوشته شده بود، کار کردیم و فیلمنامه آماده شد. موضوع این فیلم که اسم موقتش «دردسرهای شیرین» است مربوط به انرژی‌های نو است؛ یعنی انرژی‌هایی که در دنیا به عنوان انرژی غیرفسیلی که محیط را آلوده نمی‌کند، شناخته می‌شود و در بررسی‌ای که بین سایت‌های کشور به عمل آمده استان کرمان به تنهایی می‌تواند بیش از یک سوم انرژی مورد نیاز کشور را تامین کند. گرمایش خورشید به علاوه‌ی باد زیادی که در این منطقه وجود دارد این امکان را فراهم می‌کند. چون موضوع فیلمنامه این بود فکر کردیم بهترین لوکیشن فیلم، کرمان است. دانشگاه تحقیقات انرژی‌های نو معروف به هایتک که در کرمان است، بهترین بستر و لوکیشن بود. بنابراین رایزنی کردیم و با کمک آقای مرعشی و دیگر دوستان در کرمان، این اتفاق افتاد. ما حتی در نگارش فیلمنامه هم چند بار به کرمان آمدیم و کلا از ابتدا فکر کردیم بهترین جایی که می‌توانیم از تهران آلوده بیرون بیاییم و این فیلم را بسازیم کرمان است.

■ از تجربه‌ی حضور در کرمان بگویید؟

راندمان کار ما در تهران به خاطر آلودگی هوا و ترافیک خیلی پایین است. اما اینجا محیط جمع و جورتر است، هوا تمیز است و این باعث چند برابر شدن انرژیمان می‌شود. فقط مشکل دوری از خانواده برای تیم یک خورده سنگین است.

یکی از تجربه‌های مهم، تفاوت اقلیم کرمان است؛ یعنی ما از کرمان به سمت شهداد از یک منطقه‌ی کوهستانی رد می‌شدیم که برفی بود بعد وارد فضایی می‌شدیم که دشت بود و کاملا گرم. ابرهایی که سایه و روشن ایجاد می‌کردند باعث شد ما تصاویر زیبایی اینجا بگیریم. زمانی هم که در کویر شهداد کار می‌کردیم اواخر اسفند ماه بود و هوا فوق‌العاده عالی. کلا تجربه‌ی خیلی مثبتی بود. در کرمان خیلی با ما همکاری شد، خیلی خوب پیش رفتیم ولی بعضی جاها یک خورده دچار مشکل کم کاری بگذارید به جرات بگویم تنبلی شدیم و روند آماده سازی لوکیشنمان خیلی کند پیش رفت. این به خاطر این بود که به افرادی متکی بودیم که در کرمان بودند. فکر می‌کنم اصولا در استان کرمان مردم یک خورده راحت طلب هستند یعنی از سخت کوشی و حجم کار زیاد فراری هستند و بیشتر سعی می‌کنند خیلی آرام و با تمانینه کارشان را انجام دهند. این با روحیه‌ی فیلمسازی سازگار نیست.

■ مگر عوامل تولید فیلم شما کرمانی بودند؟

بله؛ در بخش تولید بازوی اصلی ما عوامل کرمان بودند؛ دستیار کارگردان و اغلب بازیگران منهای شهاب حسینی، خانم فراهانی و بیاتی کرمانی بودند. اگر کرمانی‌ها نبودند نمی‌توانستیم فیلم را بسازیم. ما برای فیلمبرداری به خانه‌ی آقای کوروش بهادری در بردسیر رفتیم که خیلی با ما همکاری کردند و کل منزلشان را با اخلاص تمام در اختیار گروه قرار دادند. دانشگاه هایتک ماهان هم کمال همکاری را با ما داشت. مجموعه‌ای از جوانان محصل در آموزشگاه‌های کرمان هم در فیلم با ما همکاری داشتند که با تست انتخاب شده بودند.

■از کارکردن با عوامل کرمانی راضی بودید؟

بله؛ خیلی خوب بود. بسیار نیروهای با استعدادی در این استان وجود دارد. همانطور که در رشته‌های دیگر هم مثل تاریخ و ادبیات و مجسمه سازی بزرگانی چون استاد باستانی پاریزی، مرادی کرمانی و مرحوم صنعتی کرمانی هستند. همه‌ی اینها نشان می‌دهد که کرمان جایگاه و خواستگاه هنر و مملو و سرشار از هنرمندان است. حتی با استعدادتر از کسانی هستند که در تهران برای تست می‌آیند. اینجا هم لهجه‌ی شیرینی وجود دارد و هم استعداد و توانایی. اما متاسفانه محرومیت‌هایی وجود دارد. اگر دولت به استان‌ها توجه کند و استعدادها را کشف کند، فکر کنم تحول بزرگی در عرصه‌ی بازیگری در سینما و تئاتر ایران به وجود آید. متاسفانه چون این توجه وجود ندارد، این استعدادها به نوعی در شهرستان‌ها از بین می‌روند.

من در اینجا بازیگران خوبی کشف کردم و از دستیارانم خواستم اسامی آنها را یادداشت کنند که در کارهای بعدیم از آها دعوت کنم.

■به لهجه‌ی کرمانی اشاره کردید، دلیل استفاده از آن در کارتان چه بود؟

طبیعی بود چون همه‌ی اتفاقات فیلم در کرمان می‌گذرد برای اینکه به واقع گرایی نزدیک شویم باید از لهجه استفاده می‌کردیم. اگر غیر از این بود، به فیلم لطمه زده می‌شد.

■ به گمان بسیاری استفاده از لهجه در سینمای ایران، تجربه‌ی موفقی نبوده است، آیا شما برای این نکته تدبیری اندیشیده‌اید؟

حسن کار ما این است که از بچه‌های خود کرمان استفاده کردیم. بنابراین مشکلی نداشتیم به جز اینکه اولا لهجه‌ی کاراکترها طوری باشد که همه در کل ایران متوجه دیالوگ‌ها بشوند؛ ثانیا من اصرار داشتم خانم نازنین بیاتی بازیگر اصلیمان که از تهران آمدند هم با لهجه‌ی کرمانی صحبت کند، لهجه را درنمی‌آورند آنها در آن صحنه زندگی می‌کنند، خودشان هستند، رئالیزم محض اند. این خانم زارعی است که سعی می‌کند لهجه‌اش را درست بگوید و من که کرمانی نیستم یک جاهایی احساس میکنم دارد لهجه از دستش درمی‌رود و درست نیست. برای این وقتی اینها را کنار هم قرار می‌دهم می‌بینم اگر کارگران به جای خانم زارعی از یک بازیگر بومی استفاده می‌کرد، شاید به مراتب کارش از نظر هنری و زیبایی شناسی قوی‌تر می‌شد. من نمی‌خواهم بازی خانم زارعی را کنتمان کنم، اما به نظر تکنیک و متد بازیگری خانم زارعی با مجموعه‌ی فیلم همخوانی ندارد؛ این بازیگر وقتی با تکنیکش وارد می‌شود کاملا از مجموعه جدا می‌شود؛ یعنی شما بستری در فیلم دارید که کاملا واقعی و باور پذیراست و حس خوبی به آن دارید ولی انگار یک آدمی گریم و بزک شده و به مجموعه وارد شده بنابراین با کل مجموعه همخوانی ندارد.

■ با دیدن شیار ۱۴۳ چه کردید که این اتفاق در فیلم شما نیافتد؟

ما در این کار شخصیتی داریم که نقشش را شهاب حسینی بازی می‌کند که در فیلم اصلا کرمانی نیست، از جای دیگری به کرمان آمده پس اشکالی ندارد با لهجه‌ی خودش حرف بزند ولی خانم بیاتی باید کرمانی حرف می‌زد. ایشان از آن بازیگرانی است که هنوز ویژگی تکنیک و شگردهای بازیگری را ندارد؛ یعنی بازیگری حرفه‌اش نیست، خانم بیاتی یک حس ابتدایی و استعداد ذاتی و درونی در بازیش هست که ما از آن خیلی استفاده کردیم. تنها چیزی که در بازی خانم بیاتی وجود دارد و باعث می‌شود حس کنید که اهل کرمان نیست، لهجه است نه نوع بازی و جنس بازی؛ یعنی نمی‌توانید تفکیک کنید و بگویید که در مجموعه‌ی دانشجوها از یک جای دیگرآمده‌است. سعی کردیم او را هم رنگ دانشجوهای کرمانی بکنیم.

■چرا به جای خانم بیاتی از یک کرمانی استفاده نکردید؟

در بازیگری فقط استعداد و توانایی ملاک نیست؛ ۵۰ درصد انتخاب بازیگر برای یک شخصیت مربوط به استعداد است و ۵۰ درصد دیگر بسته به شخصیتی که در فیلم نامه ترسیم می‌شود و ویژگی‌هایی که دارد، به فیزیک یعنی به قد و چهره و آناتومی و بقیه‌ی این چیزها مربوط می‌شود. ما متاسفانه نتوانستیم این خصوصیات را در بازیگران کرمانی پیدا کنیم گرچه که خیلی هم سعی کردیم.

■ به اعتقاد اکثر منتقدان فیلم‌های کمدی شما بیشتر موفق بوده، نظر خودتان در این مورد چیست؟

خود من هم به این حوزه، بیشتر علاقه دارم؛ یعنی اگر دو فیلمنامه جلوی من باشد که یکی تاریخی و جدی و دیگری کمدی باشد حتما اول سراغ فیلمنامه‌ی کمدی می‌روم. خودم فکر می‌کنم اگر در زندگی لبخند وجود نداشته باشد اصلا زندگی ارزش ندارد. در کل دوست دارم فیلمم به جای اینکه بیننده را بگریاند بخنداند اما نه اینکه همیشه بخواهم کمدی کار کنم.

■ گروهی از منتقدین بر آنند که در چند سال اخیر در خیلی از فیلم‌های کمدی ازطنزهای آبکی و کلامی برای خنداندن استفاده می‌شود، نظرتان درباره‌ی این نوع طنز چیست؟

برای نوشتن هر فیلمنامه‌ای باید اول یک ایده‌ی مرکزی و درخشان وجود داشته باشد؛ ایده‌ای که ارزش این را داشته باشد که فیلمنامه بر اساس آن بنا شود و هرچه ایده عمیق‌تر و حاوی مفاهیم بیشتر برای مخاطب باشد فیلمنامه هم دارای عمق بیشتری می‌شود. این در حالی است که در فیلم‌های طنزی که امروزه ساخته می‌شود، ایده‌ی اصلی و هسته‌ی مرکزی از یک موضوع ساده و ابتدایی شروع می‌شود؛ چیزی در حد یک شوخی یا گفتن یک جوک و نتیجه‌ی آن فیلمنامه‌ای می‌شود که جنس سبک به خودش می‌گیرد. نمونه‌های زیادی از طنز خوب وجود دارد؛ مثلا اگر به طنزی که در شخصیت بهلول یا ملانصرالدین هست دقت کنید، می‌بینید که در این طنزها موقعیت کمدی فراهم شده اما ممکن است از آن نتیجه‌ی اجتماعی یا سیاسی یا اخلاقی بگیرید که به زبان طنز بیان شده تا مخاطب جذب شود. یا مثلا در مثنوی بعضی جاها مولانا دارد خیلی جدی راجع به موضوعی صحبت می‌کند بعد می‌رسد به حرفی که می‌بینید این را فقط باید با مطایبه بگوید، باید طنز و شوخی در آن وارد کند تا موفق شود بنابراین ابا نمی‌کند و این کار را می‌کند. بحث فهماندن است. ما با ساخت فیلم به گفتمان می‌رسیم وآرمان‌ها وجهان بینی که در سرمان می‌گذرد را با مخاطب در میان می‌گذاریم. وقتی طنز درست شکل می‌گیرد که بنیان اولیه‌اش حرف درخوری داشته باشد. اگر اینگونه نباشد تبدیل به طنزهای ساده می‌شود که نمونه‌ی زیادش را درفیلم‌ها و در تلویزیون می‌بینند.

■ بحث دیگری که وجود دارد این است که فروش فیلم‌ها کم شده. مردم از سینما استقبال نمی‌کنند و به نوعی با سینما قهرند شما دلیلش را چه می‌دانید؟

من معتقدم همه‌ی فرمت‌های مختلف نمایش به همدیگر کمک می‌کنند اگر شما تئاتر پرفروشی داشته باشید باشد، این تئاتر به فروش سینما هم کمک می‌کند و برعکس؛ مهم این است که ما سطح کیفی مجموعه‌ی کارهای نمایش را در همه‌ی حوزه‌ها با همدیگر بالا بیاوریم. اتفاقی که الان افتاده این است که ما تفاوت بین تلویزیون، سینما، رسانه‌های تصویری وتئاتر را در نظر نمی‌گیریم؛ یعنی همان فیلمنامه‌ای که برای یک سریال می‌نویسیم برای سینمای خانگی یا سینما هم می‌نویسیم. این اشتباه بزرگی است؛ سینما یک مدیوم متفاوت است. شما وقتی برای تلویزیون فیلم می‌سازید باید به این فکر کنید که طرف چون در خانه‌اش نشسته ممکن است موقع دیدن سریال در حال خوردن میوه یا شام باشد یا رفت وآمد داشته باشد این خیلی فرق می‌کند با اینکه کسی در سینما بنشیند، چراغ‌ها را خاموش کنند و هیچ صدایی نباشد و فقط باید فیلم ببیند. آنجا اگر رشته‌ی حرکت قصه را از دست بدهید بیننده کسل می‌شود. من معتقدم فیلمی که برای سینما ساخته می‌شود علاوه بر ویژگی‌های که دارد باید مفاهیم و موضوعاتش از جنسی باشد که همه‌ی مخاطبین دوست داشته باشند آن را کنار هم ببینند. این خیلی فرق دارد با اینکه شما تنها فیلم ببینید. یعنی حس جمعی در سینما، خیلی تعیین کننده است. ما اخیرا به ارشاد تقاضا دادیم که اجازه بدهند، مارمولک را - که همه دیده‌اند - دوباره اکران کنیم - که البته موافقت هم نکردند - و به هر پخش کننده‌ای که گفتیم، به سر جواب مثبت دادند چون مطمئن بودند که اگر همین مارمولک تکراری چند بار دیده شده در سینما اکران شود مردم باز برای دیدنش هجوم می‌آورند. دلیلش این است که مردم دلشان می‌خواهد این فیلم را با هم و در کنار هم ببینند، جادوی سینما این است. شما مطمئن باشید دلیل قهر مردم با سینما و کم فروش بودن فیلم‌ها فقط و فقط عدم رعایت استاندارد لازم در فیلم‌های سینمایی است. اگر فیلم را درست بسازیم قطعا از آن استقبال می‌شود و مردم می‌فهمند اگر این فیلم را در سینما ببینند مشابهش را در سینمای خانگی نخواهند دید. یک نمونه‌ی دیگر از فیلم‌های موفق سینمایی، فیلم آمریکایی «جاذبه» است که فقط یک بازیگر دارد اما پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای امریکا شده‌است. این فیلم را باید در سینما و در فضای تاریک با صدا و تصویر سه بعدی دید، اگر آن را در دستگاه خانگی بگذارید حوصله‌تان سرمی‌رود. از آن طرف هم می‌توان فیلم «طوفان شنی» ساخته‌ی آقای شمقدری را مثال زد؛ فیلمی درباره‌ی واقعه‌ی طبس که سوژه‌ی خیلی جذابی داشت اما اینقدر این فیلم را غیرجذاب و غیرسینمایی ساخته که شما باور نمی‌کنید کلی هزینه کرده ولی اصلا قابل تحمل نیست، هیچکس نمی‌توانست به این بدی این سوژه را از بین ببرد که دیگر کسی نتواند سراغش برود.

■ به عنوان سوال پایانی اگر خاطره‌ای در مدت ساخت فیلم در کرمان برایتان اتفاق افتاده که برایتان جذاب بوده برای ما بگویید؟

شما در کرمان اصطلاحی دارید که می‌گویید «ولش کن...». این ولش کن در کار ما خیلی اتفاق افتاد و با کار ما جور درنمی‌آمد چون در کار فیلمسازی باید اینقدر حوصله و دقت و تمرکز باشد تا به جزییاتی برسی که به صورت ناخوداگاه در کار به بیننده منتقل می‌شود ولی شما آگاهانه این جزییات را اعمال می‌کنی. وقتی دقت و نگاه به جزییات از یک حدی بالاتر می‌رود آدم‌هایی که خیلی با این مقوله سروکار ندارند ولی آمدند کمک کنند، چون متوجه نیستند برایشان خیلی اهمیت ندارد. مثلا روی آن دیوار یک ذره خراشیدگی وجود دارد وقتی می‌گفتیم این خراشیدگی را درست کنید، کرمانی‌ها می‌گفتند ولش کن... این خاطره‌ای برای گروه ما شد که خیلی هم مفرح بود.

یادمان

گریه بید را عشق داند...

رحیم بنی اسدآزاد

حوالی بیستم مرداد ماه سال گذشته به مناسبت سفر استاد محمدرضا لطفی به کرمان برای برگزاری کنسرت، به محل اقامتش در آن سفر یعنی باغ شاهزاده ماهان رفتم تا با او گفت و گو کنم، دیدن استاد با آن چهره‌ی عارفانه در آن باغ که به پهنای تاریخ کرمان برایم وسعت داشت با هیجان زیاد همراه بود. آن تصویر به حدی در ذهنم زنده حک شد که شنیدن این خبر را برایم غیرممکن می‌سازد. آیا واقعا "محمد رضا لطفی درگذشت"؟

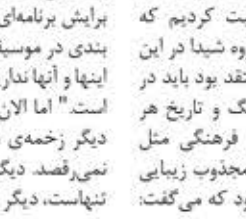

هر چند در ماه‌های اخیر خبر بیماریش را می‌شنیدم اما نمی‌توانستم باور کنم که دیگر نغمه‌ی ساز راوی خاطرات نوجوانی‌ام را نمی‌شنوم. یادم می‌آید نوجوانی ۱۶ ساله بودم که آلبوم «معمای هستی» با تار لطفی و صدای محمد رضا شجریان به بازار آمد تار دلنشین لطفی آن روزها همراه من بود و این اولین آشنایی من با ساز او بود که چنان مرا محصور خود کرد که تا به امروز همراهم است. در این سال‌ها همیشه کارهای اورا دنبال کردم و همیشه آرزو داشتم که طنین دلنشین سازش را که به پهنای موسیقی ایرانی بود از نزدیک حس کنم. این فرصت در مرداد ماه سال گذشته برایم فراهم شد و سفر استاد لطفی به کرمان، من و خیلی دیگر از مشتاقان او را خوشحال کرد؛ ما توانستیم ساز استاد را از نزدیک بشنویم و غرق در نوای آسمانی سازش شویم؛ سازی که سال‌ها توسط انگشتان او مضراب خورده بود و نواهای دلنشین خلق کرده بود. در حاشیه‌ی همان سفر استاد به کرمان و برگزاری کنسرت ایشان فرصتی دست داد تا بتوانم با استاد گفت و گویی انجام دهم، محل اقامتش در باغ شاهزاده ماهان بود، همانجا به دیدنش رفتم در باغی که استاد دوست داشت در آنجا کنسرت دهد. او گفت: "با دوستان صحبت کردیم که بتوانیم درهوای مناسب با گروه شیدا در این باغ زیبا کنسرت دهیم." معتقد بود باید در چنین فضاهایی که با فرهنگ و تاریخ هر شهر پیوند دارد برنامه‌های فرهنگی مثل کنسرت برگزار کرد وآنقدر مجذوب زیبایی باغ شاهزاده‌ی ماهان شده بود که می‌گفت: "باید هر ساله با گروه‌های مختلف شیدا برای کنسرت به آنجا بیاید." آن روز من از شنیدن این حرف استاد خیلی خوشحال بودم و مشتاقانه منتظر روزی بودم که ساز استاد را در باغ شاهزاده بشنوم و وقتی دیروز خبر مرگ استاد را شنیدم... استاد لطفی را با سازش در باغ شاهزاده تجسم می‌کردم. استاد لطفی نوازنده‌ای بود که خیلی از جوانان را به موسیقی پیوند داد؛ شاگردانی در محضر او رشد کرده‌اند که خود سندی بر این ادعا است. مجید درخشانی درباره‌اش در جایی می‌نویسد: "او یکی از تاثیرگذارترین افراد در موسیقی ایران بود". لطفی دوست داشت به همه موسیقی ایرانی را بیاموزد؛ در مدت حضورش در کرمان بیشتر نوازنده‌ها به دیدارش رفتند و از او نکاتی آموختند. خودش گفت: "جوانان کرمانی استعداد بالایی در موسیقی دارند، در کرمان هم شرایط برای ساز زدن مهیا است باید برایشان امکانات فراهم باشد تا هنرشان را ارایه دهند." او عاشق موسیقی ایرانی بود: "من موسیقی دستگاهی ایران را می‌نوازم و خودم در صحنه از سازم لذت می‌برم و بیننده هم با من لذت می‌برد." با وجود بیماری روزانه از هفت و نیم صبح تا هفت و نیم شب کار می‌کرد: "حاضرم به کرمان بیایم و اشکالات بچه‌های کرمان را بگیرم". او می‌گفت " فرهنگ در همه‌ی شهرها جریان دارد و منحصر به مرکز ایران نیست؛ روزگاری اصفهان و روزگاری شیراز و کرمان داعیه دار فرهنگ بودند و الان هم هستند." الان همه از لطفی می‌گویند و از اینکه تار ایرانی دیگر لطفی ندارد از اینکه موسیقی ایران فرد بزرگی را از دست داد اما آیا این عادت همیشگی ما نیست؟ ما که بزرگان‌مان را در زمان حیات نمی‌بینیم و بعد از مرگشان همه دم از افسوس و آه می‌زنیم. اگر الان او زنده بود و سال‌ها هم زنده می‌ماند ما چقدر از او می‌نوشتیم و برایش برنامه‌ای تدارک می‌دیدیم. او از مرز بندی در موسیقی گریزان بود: "در موسیقی اینها و آنها نداریم. موسیقی زبان بین المللی است." اما الان دیگر ساز استاد تنها است دیگر زخمه‌ی مضراب او بر پهنه‌ی سازش نمی‌رقصد. دیگر شیدا لطفی ندارد چاووش تنهاست، دیگر گریه‌ی بید را عشق داند...

خبر

درجشن اردیبهشت تئاتر کرمان

استقامت لوح تقدیر گرفت

گروه فرهنگ و هنر- جشن اردیبهشت تئاتر کرمان، برای تقدیر از هنرمندان فعال عرصه‌ی هنرهای نمایشی و حامیان نمایش در کرمان، با حضور استاندار، شهردار و معاون فرهنگی‌اجتماعی وی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و جمعی از مدیران و هنرمندان، در کاروان‌سرای گنجعلی‌خان برگزار شد.

گفتنی است در این جشن به یاد ماندنی در کنار برنامه‌های نمایشی و موسیقایی مختلفی که اجام گرفت، تقدیر ویژه با اهدای تندیس اردی‌بهشت تئاتر ایران، از ۵ هنرمند تئاتر استان کرمان که فعالیت‌های موثری در سال ۱۳۹۲ در حوزه‌ی هنرهای نمایشی داشته‌اند، ازجمله برنامه‌هایی بود که در خاطره‌ها ماند.

هم‌چنین در جشن مذکور از ۵ حامی تئاتر کرمان در بین نهادها و رسانه‌ها در سال ۱۳۹۲ تقدیر شد که در بین نشریات و رسانه‌ها، گروه فرهنگ و هنر نشریه‌ی «استقامت» و «کرمان‌شهر» نیز لوح تقدیر جشن اردی‌بهشت تئاتر را به عنوان حامی تئاتر کرمان دریافت کردند.

بازتاب

در حاشیه مطلب "شهر ما قطب تئاتر استان شود"

توضیح درباره پلاتو رنگ هنر زرند

گروه فرهنگ و هنر – هفته‌ی پیش در ضمیمه‌ی شماره‌ی ۴۳۲ هفته نامه استقامت به مناسبت اردیبهشت ماه تئاتر به مشکلات و موضوعات تئاتر شهرستان‌های استان کرمان پرداخته بودیم. در صفحه‌ی ۶ این ضمیمه، مطلبی از آقای مسعود لشکری با عنوان "شهر ما قطب تئاتر استان شود" چاپ شد.

این هفته و در این شماره آقای مسعود لشکری ضمن اشاره به ویرایش مطلب خود و احتمال کژتابی مفهومی، تقاضای چاپ توضیحات زیر را نموده اند. توضیحات ایشان شامل ۲ بخش اصلی به شرح زیر است:

– اینجانب مسئول راه اندازی رشته نمایش و پیگیری امور آموزشی دانشجویان(سرپرست گروه) در دانشگاه آزاد اسلامی زرند میباشم و هنوز افتخار مدرسی نصیبم نشده است.

– راه اندازی پلاتو رنگ هنر که از امتیازات شهرستان در بخش اجرا بشمار میرود توسط دوست عزیزم آقای محسن عزیزالهی مسئول فعلی انجمن نمایش راه اندازی شده است.

کاهش ۱۵ درصدی منابع آب کرمان

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب شهری استان کرمان، گفت: ظرفیت تامین منابع آب استان در سال جاری نسبت به تابستان ۹۲ حدود ۱۵ درصد کاهش پیدا کرده است. محمد طاهری در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا افزود: آب مورد نیاز استان از طریق منابع زیرزمینی تامین می‌شود؛ لذا مردم نباید تصور کنند که بارش نزولات آسمانی و بارندگی‌های اخیر موجب رفع مشکل آب آشامیدنی یا افزایش آب در استان به ویژه منابع زیرزمینی شده است. وی بیان کرد: ما از رودخانه، سد و این گونه موارد آب نداریم و بارندگی‌ها روی برخی رودخانه‌ها اثر گذاشته؛ اما روی منابع آب زیرزمینی که آب از عمق ۲۵۰ و ۳۰۰ متری می‌آید هیچ اثری نداشته است. لذا منابع آب استان امسال نسبت به تابستان ۹۲ بین ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش دارد. طاهری افزود: اما مقدار مصرف در استان همان است و شاید امسال حدود ۱۰ درصد به دلیل تعداد مشترکان افزایش مصرف داشته باشیم. مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان کرمان تصریح کرد: این شرکت نمی‌تواند به ظرفیت تامین آب استان اضافه کند؛ چون دشت‌ها و سفره‌های آب استان به ویژه در شهر کرمان بسیار محدود است. وی افزود: کاری که ما می‌توانیم انجام دهیم ظرفیت موجود را آماده‌ی بهره‌برداری و استحصال قرار دهیم که حداکثر برداشت را از این سفره‌ی آب داشته باشیم. وی گفت: اگر مردم استان به ویژه شهر کرمان به اندازه‌ی نیاز خود، آب و از مصارف غیرضروری جلوگیری کنند می‌توانیم تابستان ۹۳ را با مشکلات به مراتب کمتری پشت سر بگذاریم؛ اما اگر در زمینه‌ی صرفه‌جویی با ما همراهی نکنند احتمال دارد آب شهر کرمان جیره‌بندی شود. مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب شهری استان کرمان اضافه کرد: شمال شهر کرمان تا یزد و اصفهان آبی وجود ندارد، شرق کرمان مسجد صاحب الزمان (عج) و دشت کویر همین طور و جنوب شهر کرمان که دشت حسین آباد است و غرب کرمان هرچه می‌توانستیم چاه حفر کرده‌ایم. وی گفت: در نهایت دورتر از کرمان دشت قریه العرب هرچه جواب می‌داده در این دشت چاه حفر شده و تعدادی چاه نیز هم اکنون در دست جابجایی و حفر است. وی ادامه داد: شرایط کرمان مانند این است که پنج نفر انسان با پنج تی از یک لیوان آب بخورند که بدیهی است زودتر تمام می‌شود و هرچه ما چاه‌ها را بیشتر می‌کنیم، در واقع از یک ظرف برداشت می‌شود.

کرمان در جایگاه ششم مصرف برق کشور

مدیرعامل شرکت برق منطقه ای استان کرمان گفت: شاخص شدت مصرف برق کشور ما دو برابر متوسط جهان و چهار برابر ژاپن و آلمان است؛ استان کرمان رتبه‌ی ششم در کشور را در زمینه‌ی مصرف برق خانگی دارد و این، نیاز به بازنگری و مصرف بهینه دارد. به گزارش ایسنا منطقه کویر، علی‌اصغر نصراللهی به مناسبت روز صنعت برق در جمع خبرنگاران اظهار کرد: شرکت برق منطقه‌ای کرمان از طریق دو هزار و ۲۵۰ مگاوات ظرفیت نصب شده نیروگاهی و هشت هزار و ۲۶۶ کیلومتر خط انتقال و فوق توزیع و ۱۰۱ دستگاه پست انتقال و فوق توزیع تامین برق ۹۴۰ هزار مشترک را در شاخه‌های مصرف به عهده دارد. وی افزود: با پیگیری استاندار برای تولید ۱۰ هزار مگاوات برق در استان توسط بخش خصوصی، موافقت وزیر نیرو اخذ شده و، پتانسیل تولید شش هزار و ۵۰۰ مگاوات برق در استان برای آینده وجود دارد. نصراللهی با اشاره به اینکه هر مگاوات برق یک و نیم میلیارد تومان سرمایه گذاری نیاز دارد، اظهار کرد: صنایع بزرگ استان ۴۸۸ مگاوات انرژی برق را مصرف می‌کنند و ۳۱۰۰ مگاوات نیاز آینده صنعت به برق است و این نیاز باید تا سال ۹۵ تامین شود. مدیرعامل شرکت برق منطقه ای استان کرمان گفت: نسبت به کل ایران و حتی دنیا پتانسیل و راندمان انرژی خورشیدی، در استان کرمان بهترین بهره‌وری و راندمان را دارد. وی با بیان این‌که سرمایه‌گذاری زیادی در حوزه برق استان انجام شده، گفت: هر پست انتقال بین ۴۰ تا ۸۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری نیاز دارد و پست‌های فوق توزیع حدود ۲۰ میلیارد تومان نیاز دارد. حداقل توسعه یک و نیم تا دو برابری برای دو سال آینده در استان نیاز داریم. نصراللهی با بیان این‌که بیشترین مصرف در بخش کشاورزی بوده که در سال ۹۵ این بخش جای خود را در مصرف انرژی برق به صنعت می‌دهد، تصریح کرد: پیک مصرف کشور در فروردین امسال ۵.۶ درصد و استان کرمان ۹ درصد رشد داشته است و جنوب استان کرمان ۱۳.۲ رشد را شاهد بوده که در این زمینه باید مدیریت مصرف در جنوب صورت گیرد. وی خاطرنشان کرد: کمبودنقدینگی، کمبود شدید تولید به ویژه در منطقه جنوب، کند بودن روند احداث نیروگاه سیرجان، رشد سریع بار به ویژه در شاخه‌ی صنعتی و کشاورزی و افت ولتاژ شدید به ویژه در کهنوج و جیرفت از مشکلات حوزه انرژی برق در استان کرمان است.